

دکتر حمیدرضا وارثی

زهناب سروری

دانشگاه اصفهان

تحلیلی بر ارتباط متقابل توسعه، مهاجرت و شهرنشینی در ایران

چکیده

توزیع و پراکندگی جمعیت، به چگونگی توزیع امکانات بستگی دارد. توزیع و تراکم جمعیت، به دلیل اثرگذاری در دیگر ویژگیهای جمعیت و وابستگی مهمی که به ویژگیهای کلی محل دارد، دارای اهمیت است. برنامه‌ریزان می‌توانند با توزیع مناسب امکانات، پراکندگی جمعیت را متعادل سازند و در نتیجه به توسعه‌ی پایدار دست یابند. هدف پژوهش حاضر، متعادل کردن توسعه در کشور و استفاده‌ی بهینه از قابلیت‌ها و توانهای مناطق موجود است تا از تمرکز توسعه در یک نقطه و عقب‌ماندگی در جای دیگر جلوگیری شود.

نتایج به دست آمده، بیانگر این واقعیت است که توزیع جمعیت در کشور ما، متناسب با توانهای محیطی نیست و در مکانهایی مانند تهران، به دلیل تراکم بی‌رویه‌ی جمعیت، فشار روزافزونی بر طبیعت منطقه وارد می‌شود. در مقابل آنها، مناطقی وجود دارند که از ظرفیت محیطی‌شان استفاده لازم صورت نمی‌گیرد. این که چرا در برخی مکانها تمرکز بیش از اندازه‌ی جمعیت وجود دارد، باید ریشه‌های آن را در عدم توزیع بهینه‌ی امکانات توسعه در کل کشور دانست. روش تحقیق در این پژوهش، اسنادی و کتابخانه‌ای است و به کارهای آماری انتشار یافته توسط مرکز آمار ایران استناد شده است.

درآمد:

فعالیت‌های اقتصادی، انواع و مقیاس آنها و همچنین خط مشی‌های سیاسی و اقتصادی دولت، اثرات بسیار مهمی بر توزیع جمعیت دارند. (مهدوی، ۱۳۷۱: ۷۹) از میان مسائل مربوط به جمعیت، توزیع و تراکم آن، نه تنها به

خاطر این که در سایر ویژگی‌های جمعیت اثر می‌گذارد، بلکه از جهت وابستگی مهمی که به ویژگی‌های محل مورد مطالعه دارد، در درجه‌ی اول اهمیت قرار می‌گیرد. بنابراین مطالعه‌ی الگوهای توزیع و تراکم جمعیت، اساسی‌ترین نکته در درک جغرافیای هر سرزمین است. (نظری، ۱۳۷۶: ۳۱) در کشور ما، جمعیت و امکانات بر اساس توانهای محیطی توزیع نشده است. به همین دلیل در برخی از مناطق، تراکم بیش از اندازه‌ی جمعیت وجود دارد و در برخی دیگر از مناطق از ظرفیت‌های لازم استفاده‌ی بهینه صورت نمی‌گیرد. همین موضوع موجب شده تا از طرفی شاهد مهاجرت از مناطق کمتر توسعه یافته به سوی مناطق توسعه یافته‌تر و از سوی دیگر شاهد گسترش مادر شهرها و به تبع آن گسترش حاشیه نشینی و مشاغل غیررسمی در اطراف شهرهای بزرگ باشیم. این موضوع به دنبال خود مشکلات متعددی را ایجاد می‌کند که برای کاستن این مشکلات، بهترین راه این است که آن‌را از ریشه (که همان مهاجرت از مناطق کمتر توسعه یافته می‌باشد) خشکانده و به تقویت مناطق کمتر توسعه یافته بپردازیم. برای این کار ابتدا باید شناخت دقیقی از مناطق مختلف کشور داشته باشیم تا برنامه‌ریزی بر اساس واقعیات انجام گیرد.

توسعه یک پدیده‌ی اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی است و بر خلاف رشد، یک موضوعی کیفی است و بالطبع اندازه‌گیری شاخص‌های کیفی مشکل‌تر از شاخص‌های کمی می‌باشد و به ناچار برای اندازه‌گیری شاخص‌های کیفی باید از مواردی استفاده کرد که قابل تبدیل به شاخص‌های کمی باشند.

هدف این پژوهش، متعادل کردن توسعه در کشور و استفاده از قابلیت‌ها و توانهای مناطق است تا از تمرکز توسعه در یک نقطه و عقب‌ماندگی در جای دیگر، جلوگیری به عمل آید.

مطالعات لازم برای تعیین میزان توسعه‌ی استانها انجام گرفته، و تأثیرات توسعه، شهرنشینی و مهاجرت در آن بررسی نشده است. این تحقیق با بهره‌گیری از آمارهای منتشر شده توسط مرکز آمار ایران تهیه شده، و امید است بتواند در کاهش مشکلات کمک کند. روش کار در این پژوهش اسنادی و کتابخانه‌ای است و ملاک کار آمارهای مرکز آمار ایران می‌باشد.

۱. توسعه چیست ؟

اگر چه توسعه یک پدیده‌ی عینی اقتصادی-اجتماعی است، ولی بر خلاف رشد امری پیچیده و چندبعدی است و به سادگی نمی‌توان با شاخص‌های کمی، مانند درآمد سرانه، ازدیاد پس انداز و سرمایه‌گذاری اندازه‌گیری کرد.

تجربه‌ی کشورهای در حال توسعه از سال ۱۹۴۵ نشان می‌دهد که پیشرفت اقتصادی بدون تغییر و تحول مناسب در نظام سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تقریباً غیرممکن است. به عبارت دیگر «توسعه، به معنای ارتقاء مستمر جامعه و نظام اجتماعی به سوی زندگی بهتر، و یا انسانی‌تر است» اجزای خاص این زندگی بهتر هر چه باشد، توسعه در کلیه‌ی جوامع حداقل باید دارای سه هدف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی باشد. (نراقی، ۱۳۷۰: ۳۰)

۱-۱. تفاوت رشد و توسعه :

رشد اقتصادی عبارت است از ازدیاد میزان تولید، در حالی که توسعه‌ی اقتصادی علاوه بر افزایش تولید ملی، تغییرات فنی و سازمانی و کیفیت عمل تولید را هم شامل می‌شود (زمردیان، ۱۳۶۴: ۲۰۲) در واقع رشد را به عنوان حرکت کمی رو به جلو و توسعه را حرکت کیفی رو به جلو خلاصه کرده‌اند. (ایمانی راد، ۱۳۶۹: ۲۳)

در توضیح این دو واژه می‌توان گفت که هیچ کشوری در جریان رشد و توسعه‌ی اقتصادی نمی‌تواند از تأثیر حوزه‌های کمی مغناطیسی محیط خود بر کنار بماند، زیرا در کانون انتشار توسعه و ترقی عواملی موجود است که ممکن است امواج توسعه و ترقی را تحت تأثیر قرار دهد. این عوامل ممکن است دو اثر متضاد داشته باشد، یکی موجب تسریع توسعه و دیگری موجب کندی توسعه شود. (زمردیان، ۱۳۶۴: ۲۲۸) مهاجرت از عواملی است که می‌تواند اثرات مثبت و منفی بر توسعه داشته باشد.

۱-۲. دیدگاه‌های توسعه و مسائل اجتماعی

تا اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰، عمدتاً مفهوم اقتصادی بر فرآیند توسعه تسلط داشت و تأمین نیازهای اساسی جامعه را نتیجه‌ی ضمنی رشد اقتصادی می‌دانستند، به همین دلیل، خط مشی‌های اجتماعی در مراحل بعدی اولویت قرار داشت.

در دهه‌ی ۱۹۶۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰، با پیدایش دیدگاه‌های اصولی، ارتباط بین رشد اقتصادی و تأمین نیازهای اساسی جامعه تغییر یافت و مسائل و خط‌مشی‌های اجتماعی به عنوان عوامل مشخص و جداگانه‌ی توسعه تلقی شدند. در این دوره اهمیت مسائل اجتماعی آشکار شد.

نه تنها صاحب‌نظران، مسائل اجتماعی را پیامدهای طبیعی مسائل اقتصادی ندانستند، بلکه، در ره‌یافته‌ی اجتماعی مشخص شد که این عوامل هویت و ویژگی‌های خود را دارند.

در دهه‌ی ۱۹۸۰، ره‌یافته‌ی مربوط به توسعه، و روابط میان سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اقتصادی و اجتماعی، تغییر چشمگیری کرد و ارزیابی درباره‌ی آنها و اهمیت مسائل اجتماعی و بازنگری روابط میان آنها با مسائل اقتصادی همراه بود.

به سخن دیگر، طی دهه‌ی اخیر این باور رواج یافت، که برخی از اهداف مهم اجتماعی به رغم کسادی اقتصادی با رشد کند تولید، قابل دستیابی هستند. همچنین، تجربه‌ی دهه‌های یاد شده نشان می‌دهد که هیچ خط‌مشی اجتماعی نمی‌تواند به هدفهای خود دست یابد، مگر آن که با نهایت دقت، عناصر لازم را در خود داشته باشد. خط‌مشی‌های مربوط به مشارکت، هماهنگی، تمرکززدانی، اولویت‌های منطقه‌ای، نه تنها از خط‌مشی‌های اجتماعی جدا نیستند، بلکه مکمل یکدیگرند. چنانچه اگر شیوه‌های رشد و تولید با تأمین نیازهای اساسی مرتبط باشند، خط‌مشی‌های اقتصادی به صورت بهترین ابزار خط‌مشی‌های اجتماعی یا بهترین وسیله‌ی اجرای آنها در می‌آیند.

مسائل اجتماعی در توسعه‌ی شهری، همانند دیگر نظم‌های توسعه (اقتصادی، کالبدی و...) اهمیت خود را داشته و بر ابعاد نظام شهری تأثیر می‌گذارند. توسعه‌ی اجتماعی در شهرسازی، به معنی شیوه‌ی سازمانی مواجهه با نیازهای انسان است.

هدف‌های توسعه‌ی اجتماعی در توسعه‌ی شهری، در دراز مدت، دورنگر بوده و به شیوه‌ی نهادی با مسائل روبرو می‌شود و سرانجام به پایانی هدایت می‌شوند، که شرایط کیفی زندگی ساکنان را در ارتباط با ارزشهای جامعه، در حال و آینده، در نظر دارد. (ارجمندنیا، ۱۳۶۹: ۴۴)

۳-۱. مشکلات توسعه در ایران

عوامل متعددی در مشکلات و تنگناهای اقتصادی کشور دخیل اند، که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. عدم تحرک و پویایی در تولید و سرانه، که این مسأله به دنبال خود کاهش نسبی تشکیل سرمایه، افزایش بیکاری، فقر گسترده، تعمیق عقب ماندگی بافت تولید و تداوم رکود اقتصادی را به دنبال خواهد داشت.
 ۲. مشکل اقتصادی دیگر، ساختار نامناسب تولید است که موجب افزایش بیش از حد خدمات و دوگانگی شدید ساختار اجتماعی در بخش‌های سنتی و نوین می‌شود.
 ۳. مشکل سوم، عدم تناسب سیاست‌های پولی و بانکی که باعث رشد نقدینگی و تورم می‌شود.
 ۴. مشکل چهارم، حدود و نحوه‌ی عمل دستگاه اداری-اجرایی است (دولت)، ساختار دولت در خدمات رسانی به مردم درست نیست (عظیمی، ۱۳۷۲: ۸۸).
- از دیگر مشکلات موجود در توسعه نیافتگی، توزیع نامناسب ثروت در کل کشور است. چنانچه تهران در طول دوره‌های مختلف سهم عمده‌ای از سرمایه گذارها را به خود اختصاص داده و از این طریق مانع رشد در قسمتهای دیگر کشور شده است (مشهدی زاده دهاقانی، ۱۳۷۴: ۱۶۳) برای مثال در سال ۱۳۷۵ حدود ۲۰٪ شاغلان در استان تهران بوده‌اند (جوان، ۱۳۸۳: ۲۴۶)
- توجه به توسعه باید بر اساس روشهای اصولی شکل بگیرد، زیرا توسعه با کالاهای مادی آغاز نمی‌شود، بلکه با آدمیان و تربیت آنها، با سازمان و با انضباط آغاز می‌شود. بدون این سه، همه منابع پنهان و دست نخورده و بدون مصرف باقی می‌مانند.
- جوامع پررونقی هستند که ثروت طبیعی آنها بسیار کم است و با وجود این که در جنگ جهانی آسیب پذیرفته بودند، توانستند یک معجزه‌ی اقتصادی پدید آورند. اگر بپذیریم که علل اصلی فقر، نارسایی‌های موجود در این سه حوزه است، پس ریشه کن کردن فقر اساساً به رفع این نارسایی‌ها بستگی دارد، چون توسعه وارداتی نیست. یک فراگرد تکاملی و تدریجی با دقت و ظرفیت فراوان است. (۱۳: ۱۳۱) به همین خاطر در کشور ما برای رسیدن به توسعه نیاز به برنامه‌های بلند مدت می‌باشد و این کار عملاً در کوتاه مدت ممکن نیست.

۲. مهاجرت

برای مهاجرت تعریف یگانه‌ای در دست نیست، زیرا راه یکسانی برای اندازه‌گیری وجود ندارد و هنوز هم تعریفی از مهاجرت، که فارغ از فرآیند اندازه‌گیری باشد، در توافق عمومی قرار نگرفته است. ولی به طور کلی مفهوم مهاجرت، در برگیرنده چهاربعد ویژه است: تغییر در مکان، اقامتگاه، زمان و فعالیت (اوبری، ۱۳۷۰: ۴۱). مهاجرت به معنی اعم کلمه، عبارت است از: «ترک سرزمین اصلی و ساکن شدن در سرزمین دیگر به طور دائم و یا موقت»، ولی به معنی اخص کلمه، که مهمترین نوع تحرک جمعیت می‌باشد، عبارت است از: «جابجا شدن دسته جمعی یا انفرادی انسانها به طور دائم بدون قصد بازگشت به مبدأ» (جوان، ۱۳۸۳: ۳۱۵). در تعریف دیگر، مهاجرت، تغییر مکان دائمی یا موقت تلقی می‌شود و هیچ گونه محدودیتی به مسافت یا اختیاری و اجباری بودن ماهیت این عمل و هیچ گونه تفاوتی بین مهاجرت دائمی و خارجی وجود ندارد (معصومی اشکوری، ۱۳۷۶: ۶۰).

۲-۱. علل مهاجرت در ایران

مهاجرت‌های داخلی ایران، نتیجه‌ی توزیع نابرابر جمعیت در ارتباط با امکانات طبیعی، عدم توزیع مناسب اعتبارات عمرانی و سرمایه‌گذارهای ملی در بهره‌برداری از منابع طبیعی است، که پیامدهای آن در سطح کشور به صورت عدم تعادل‌های منطقه‌ای، تفاوت امکانات شغلی و سایر امکانات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، خودنمایی می‌کند. نتیجه‌ی چنین روندی آن است که برخی از مناطق جغرافیایی ناگزیر نیروی کار اضافی بالفعل خود را به مناطق دیگر که تقاضا برای نیروی کار اضافی وجود دارد، انتقال دهند. (جوان، ۱۳۸۳: ۳۶۱)

محققین، علل حاشیه‌نشینی و به طور کلی مهاجرت را در چارچوب الگوی رانش - کشش بررسی کرده و به توصیف عواملی نظیر فقر و نبود امکانات رفاهی - بهداشتی و از همه مهمتر کار و درآمد زیادتر در شهر پرداخته‌اند. (معصومی اشکوری، ۱۳۷۶: ۲۵۳)

در ایران سه مرحله مهاجرت را می‌توان تشخیص داد: اولی طی سالهای ۴۲-۱۳۰۰، دومی طی سالهای ۵۷-۱۳۴۲ و سومی از سال ۱۳۵۷ به بعد است.

در مرحله اول، یعنی ۱۳۴۲-۱۳۰۰، مهاجرت روندی کُند داشته و تنها به چند شهر بزرگ محدود می‌شد، در این دوره شهرها توانایی جذب مهاجر را نداشته و امکانات اقتصادی - اجتماعی شان محدود بود. در مرحله‌ی

دوم، یعنی ۵۷-۱۳۴۲، با انجام اصلاحات ارضی در روستاها و فراهم شدن زمینه‌ی کار در شهر، موجب رشد سریع مهاجرت در کشور شد. در مرحله‌ی سوم، از سال ۱۳۵۷ به بعد، بعضی مسائل مانند امتیازات بی حد و حصر در جامعه‌ی شهری برای افراد کم درآمد و محروم، موجب شتاب گرفتن مهاجرت در این دوره شد. (مشهدی زاده دهقانی، ۱۳۷۴: ۱۰۷)

۳. تأثیر متقابل شهرنشینی، توسعه و مهاجرت

در واقع شهرنشینی معاصر کشورهای در حال توسعه، به هیچ روی ادامه‌ی شهرنشینی تاریخی این کشورها نیست، بلکه پویایی است که از خارج تحمیل شده و پدیده‌ای برونزادی است که محصول روابط اقتصادی و اجتماعی این کشورها با کشورهای توسعه یافته‌ی صنعتی است. عدم همزمانی سطح صنعتی شدن با سطح شهرنشینی معاصر از تفاوت شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته است و شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه بر پایه‌ی رشد خدمات شکل گرفته است (فیندلی، ۱۳۷۲: ۴۰).

در کشورهای در حال توسعه، اگر چه از نظر میزان شهرنشینی قابل مقایسه با کشورهای پیشرفته هستند، ولی سهم صنعت در جذب نیروی کار در کشورهای در حال توسعه در مقایسه با کشورهای پیشرفته کمتر است. این موضوع باعث می‌شود که با وجود فراوانی نیروی کار در کشورهای در حال توسعه، نیروی کار ذخیره‌ی آنها از جریان تولید منحرف شود. دیگر این که در کشورهای توسعه یافته، شهرنشینی با رشد کشاورزی و صنعتی همگام است، یعنی شهرنشینی در اثر رشد اقتصادی به وجود آمده است و باعث شده که رشد سریع گردد، ولی در کشورهای در حال توسعه، شهرنشینی در اثر دفع جمعیت از مناطق روستایی به طرف شهرها بوده است که در نتیجه‌ی کنترل مرگ و میر، افزایش طبیعی جمعیت روستاها و عدم قدرت بخش کشاورزی در جذب نیروی انسانی صورت گرفته و موجب تسریع مهاجرت روستایی به شهر شده است. بنابراین، رشد شهر بیش از آن که موجب بهره‌وری فزاینده و بالا رفتن معیارهای زندگی شود، مشکلات جذب نیروی کار و شیوه‌ی بهره‌برداری مؤثر از آن را وخیم تر کرده است. (اوبری، ۱۳۷۰: ۳۱)

مهمترین تأثیر مهاجرت در جهان در حال توسعه، مانند جهان توسعه یافته، در شهرهای بزرگ متمرکز شده است و میزان رشد جمعیت در این شهرها برخی مواقع تا چهار برابر سطح ملی است. در مورد اثرات سوء و یا مفید مهاجرت بر توسعه‌ی منطقه‌ای و ملی باید به شرایط موجود دقت کرد، مثلاً اگر مهاجرت از جایی که

دارای نیروی مازاد کشاورزی است به جایی انجام شود که دارای منابع بالقوه قوی و کمبود نیروی کار باشد، مفید است. ولی اگر مهاجرت موجب انباشتگی جمعیت در یک مرکز شهری شود و از طرف دیگر جمعیت و نیروی کار روستاها تخلیه شود، این مهاجرت هم در نقطه‌ی مبدأ و هم در مقصد، موجب ضرر و زیان شده و باعث بر هم خوردن تعادل منطقه‌ای خواهد شد. (لهسانی‌زاده، ۱۳۶۸: ۲۵۰)

۳-۱. تأثیر متقابل شهرنشینی، توسعه و مهاجرت در ایران:

در کشور ما ایران، در اثر افزایش مهاجرت، بسیار از روستاها خالی از سکنه شده و بسیاری دیگر قسمت عمده‌ای از جمعیت خود را از دست داده‌اند. در طول همین سالها مهاجرت جمعیت به نقاط شهری، پیدایش شهرها و شهرکها را در نقاطی نه چندان مستعد، باعث شده است. اعتدال جمعیت بین شهرهای بزرگ و کوچک کشور بر هم ریخته و بین تعداد جمعیت نواحی شهری و روستایی فاصله افتاده و برخی از مناطق کشور با برخی دیگر تفاوت پیدا کرده است. در این زمینه نه تنها اعتدال بین نواحی مختلف شهری و روستایی بر هم ریخته، بلکه منابع محیطی نیز در پاسخگویی به نیاز جمعیت از دیدگاه اجتماعی، اقتصادی و طبیعی کارآمد نبوده است. (شیعه، ۱۳۸۰: ۱۳)

با جذب بخش اعظم درآمد ملی توسط شهری مثل تهران، روزبه‌روز بر فاصله‌ی میان نقاط شهری با روستاها افزوده شد. تمرکز بیشتر، جمعیت زیادتری را جذب کرده و نیاز به منابع و تسهیلات بیشتر و تأمین و ایجاد این نیازها دوباره به تمرکز بی رویه دامن زد. این موضوع، علاوه بر دامن زدن به بحرانهای شهری، باعث ایجاد عدم تعادل منطقه‌ای شد. اگر چه به قول ژان بودن که در حدود ۴۰۰ سال پیش می‌گوید: «هیچ ثروت و هیچ قدرتی بالاتر از جمعیت نیست» (زنجانی، ۱۳۷۱: ۱۲۰) ولی اگر از جمعیت استفاده‌ی بهینه صورت نگیرد، مشکل آفرین می‌شود. برای مثال ناهماهنگ بودن تمرکز جمعیت، تمرکز صنایع و سرمایه‌ها در تهران، با آهنگ کلی توسعه‌ی کشور، علاوه بر این که تهران را به صورت یک ایستگاه انتقال ثروت به خارج در آورده، فرصتهای پیشرفت و توسعه را نیز از سایر نقاط گرفته است. به قولی، رشد بی رویه و لگام گسیخته‌ی تهران و شهرهای بزرگ، مصیب‌بارترین آثار را در چارچوب برنامه‌ریزی ملی و محلی برای کشور فراهم آورده و خواهد آورد. تمرکز جمعیت در یک نقطه یا چند نقطه، برنامه‌ریزی آمایش سرزمین را دستخوش نابسامانی کرده، بیش‌بینی‌ها را تغییر داده و عدم تعادل در موازنه‌ی توزیع جمعیت در سطح کشور را سبب شده است.

این ناهماهنگی در نقاط پرتراکم کشور منجر به فشار فوق‌العاده زیادی روی زیربنا و مجموعه‌ی زیست محیطی این نقاط شده است. (مشهدی زاده دهاقانی، ۱۳۷۴: ۱۸۳)

۴. برنامه‌ریزی منطقه‌ای به عنوان یک راه‌حل:

احساس نیاز به انجام مطالعات برای برنامه‌ریزی فضایی و آمایشی و به‌دنبال آن انجام برنامه‌ریزی منطقه‌ای به مثابه هدف نهایی طرح‌های فضایی و آمایشی هنگامی بروز می‌کند که به‌قولی «تورم توسعه» یا «تراکم رشد» در برخی نقاط در پهنه‌ی سرزمین ملی، سبب ساز بروز ناتعادلیها و ناهماهنگی‌های ناهنجار گردیده و دو نتیجه‌ی نامطلوب اساسی به‌دنبال دارد: یکی سیل مهاجرتهای بی‌رویه‌ی جمعیت شهری و روستایی از سایر نقاط کشور به سمت «غده رشد» و دیگری عقب‌ماندگی نقاط دیگر مملکت. (معصومی اشکوری، ۱۳۷۶: ۱۷)

یکی از سیاست‌های انتخابی در جهت تعدیل نابرابری‌های شهری و ناحیه‌ای، سیاست محدود ساختن رشد شهرهای بزرگ و فراهم کردن زمینه‌های مساعد اقتصادی در شهرهای میانی است. اساس کار در چنین برنامه‌هایی، سیاست مکان‌گزینی بخشهای صنعتی است، که باعث استقرار طرحهای جدید صنعتی در حوزه‌های پیرامون شهرها می‌شود. در این سیاست انگیزه‌های مختلفی برای ایجاد جاذبه‌های صنعتی در مکانهای جدید به کار می‌رود. (شکویی، ۱۳۷۴: ۴۱۱) که یکی از آنها نیروی کار ارزان در مکانهای جدید می‌تواند باشد. تفاوت‌های ناحیه‌ای می‌تواند جنبه‌های مختلفی داشته باشند. برخی نواحی از نظر صنعتی عقب‌مانده‌اند، ولی ممکن است از نظر بهداشت و مسکن وضعیت نسبتاً مناسبی داشته باشند یا برعکس. از این رو به نظر می‌رسد برای تشخیص درجه‌ی توسعه یافتگی و تفاوت‌های ناحیه‌ای، لازم است که از شاخصهای ترکیبی که در مجموع بتوانند سطح زندگی و رفاه مادی و فرهنگی مردم هر ناحیه را نشان دهند، استفاده شود (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۰: ۲۱۶) به همین خاطر در قسمت بعد شاخصهای مختلف توسعه در استانهای ایران در ارتباط با مهاجرت، شهرنشینی و توسعه بررسی می‌شود.

جدول شماره ۱؛ میزان خدمت در استانهای کشور

سهم استان در محصول ناخالص داخلی	کارگاههای صنعتی ۱۰ نفر کارکن به بالا	شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر	خطوط تلفن به ازای هر ۱۰۰۰ نفر	درصد مصرف برق	خانوار دارای آب لوله‌کشی	میزان اشتغال	میزان باسوادی	میزان شهرنشینی	خالص مهاجرت	جمعیت	
۴,۰۵	۶۰,۹	۶,۲۸	۲۲۹	۳,۳	۸۱,۶	۹۳,۳	۷۵,۴	۶۶,۲	-۸۵۴۵۹	۳۳۸۱۲۴۷	آش
۲,۶	۴۹۳	۴,۲۸	۱۴۷	۲,۱	۷۸,۱	۹۰,۲	۶۹	۵۸,۹	۹۴۹۷	۲۷۷۴۸۰۳	آب
۱,۰۳	۸۲	۱,۸۵	۱۸۸	۰,۷	۷۱,۵	۸۹,۵	۷۳,۳	۵۵,۸	-۳۷۸۵۰	۱۲۰۴۴۱۰	اردبیل
۶,۵	۱۷۸۵	۷,۱۳	۲۴۴	۱,۰۴	۹۶,۶	۸۹,۱	۸۴,۷	۸۱,۹	۹۰۷۸۹	۴۳۱۶۳۴۷	اصفهان
۰,۶	۲۰	۰,۶۴	۱۴۲	۰,۵	۹۲,۲	۸۵	۷۶,۷	۵۹,۵	-۴۵۹۳	۵۵۰۹۷۰	ایلام
۱	۳۸	۱,۰۷	۱۸۹	۱,۵	۸۴,۷	۸۹,۷	۸۰,۶	۵۵,۱	-۳۷۴۳۳	۷۹۶۶۳۹	بوشهر
۲۴,۷	۲۵۰۴	۱۸,۳۹	۳۰۸	۲,۰۷	۹۷,۹	۸۷,۹	۸۸	۸۵,۶	۴۲۹۸۹۶	۱۱۶۸۹۳۰۱	تهران
۰,۶	۵۵	۱,۲۷	۱۸۰	۰,۷	۹۲,۹	۸۴	۷۷	۵۴,۹	-۳۲۰۰۳	۷۹۴۰۱۷	چهارمحال
۶,۳	۱۰۲۷	۱۰,۴۶	۱۹۰	۸,۴	۸۶,۹	۸۹,۳	۸۰,۹	۶۳,۱	۹۳۵۷	۶۰۳۳۷۰۸	خراسان
۱۳,۷۶	۲۱۴	۵,۰۱	۱۲۶	۱۱,۱	۸۹,۵	۸۲,۹	۷۶,۹	۶۴,۴	۱۰۲۶۲۲	۴۵۰۶۸۱۶	خوزستان
۰,۹	۱۷۲	۱,۵	۱۵۴	۱,۲	۸۶,۲	۹۰,۹	۷۴,۸	۵۲,۵	-۳۲۸۸۱	۹۳۶۹۸۵	زنجان
۰,۷۳	۱۷۵	۰,۹	۲۳۷	۱,۵	۹۷,۴	۸۹,۶	۸۴,۵	۷۵,۴	۱۹۳۱۶	۵۶۳۹۵۹	سمنان
۱,۱	۱۰۰	۲,۱۶	۹۰	۱,۵	۵۸,۹	۷۸,۴	۵۷,۳	۴۹,۶	-۵۸۸۷	۲۰۸۶۱۷۰	س. و ب. لرستان
۴,۲۹	۲۶۷	۶,۱۱	۱۷۰	۵,۶	۸۸,۴	۸۵	۸۱,۸	۶۰,۷	-۶۰۳۷	۴۱۳۵۲۵۱	فارس
۱,۰۴	۲۲۹	۱,۳۴	۲۲۰	۱,۳	۹۴,۵	۹۱,۱	۸۱,۹	۹۲,۴	۶۶۸۳۱	۹۷۱۲۸۰	قم
۰,۹۷	۹۲	۲,۲۵	۱۲۶	۱	۸۱,۹	۷۸,۵	۶۸,۳	۵۸,۳	-۲۷۰۰۶	۱۴۹۲۰۰۷	کردستان
۳,۲۵	۱۱۴	۳,۱۱	۱۶۰	۴,۱	۸۶,۸	۸۶,۸	۷۸,۲	۶۱,۴	۴۰۴۴	۲۲۱۵۳۷۶	کرمان
۱,۳۸	۱۳۷	۲,۶۷	۱۴۷	۱,۴	۸۴,۹	۸۳,۵	۷۶,۶	۶۴,۵	-۴۲۸۲۸	۱۹۶۲۱۷۶	کرمانشاه
۵,۰۳	۳۴	۰,۶۷	۱۰۶	۰,۵	۷۴	۸۴,۴	۷۵,۵	۵۰,۷	-۵۰۱۳	۶۲۷۵۱۷	کهگیلویه
۲,۵۳	۵۴۰	۴,۳۳	۱۷۷	۲,۳	۵۲	۸۶,۹	۷۹,۲	۵۵,۱	-۱۵۷۰۸	۳۳۱۰۰۳۳	گیلان
۱,۳۵	۱۱۹	۲,۱۲	۱۱۰	۱,۵	۸۴,۲	۸۲,۱	۷۴,۸	۵۷,۲	-۵۷۱۹۶	۱۶۷۱۲۰۶	لرستان
۳,۵	۳۴۳	۴,۴۴	۲۴۱	۳,۱	۸۲,۵	۹۱,۷	۷۹,۵	۵۱	-۲۴۴۶۹	۲۷۴۲۸۵	مازندران
۲,۳۱	۵۲۰	۲,۱۵	۱۸۸	۴,۴	۹۱,۲	۹۱,۶	۷۹,۳	۶۵,۲	-۴۷۵۳	۱۳۰۰۷۷۸	مرکزی
۱,۶۸	۷۱	۱,۴۳	۱۵۰	۴	۷۸,۸	۸۵,۴	۷۲,۸	۴۲,۴	-۲۷۱۷	۱۲۳۵۸۱۶	هرمزگان
۱,۴	۱۹۸	۲,۷۹	۱۵۹	۱,۷	۸۲,۸	۸۴,۶	۷۷,۳	۵۵,۷	-۴۲۹۷۴	۱۷۱۸۶۲۷	همدان
۱,۱۳	۳۵۳	۱,۶۱	۱۷۸	۲,۴	۹۴,۶	۸۶,۳	۸۳,۶	۸۱	۱۶۲۰۰	۹۰۲۵۵۰	یزد
۳,۶۱	۳۹۶,۱۹	۳,۶۹	۱۷۵,۲۳	۳,۷۳	۸۴,۶۵	۸۶,۸۳	۷۷,۲۳	۶۲,۲۶	۱۱۰۸۰,۹۶	۲۴۱۹۹۵۶	میانه
۵,۱۴۵۹۹	۵۷۳,۴۰۲	۳,۸۱	۴۹,۶۵	۴,۵۰۹	۱۱,۲۹۱	۳,۹۴	۶,۱۵۱	۱۲,۰۲	۹۵۲۴۶,۵۵	۲۳۶۱۹۷۷	اتحراف معیار

مأخذ: خلاصه آمارهای پایه استانها، مرکز آمار ایران، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۱ و محاسبات نگارندگان

جدول شماره ۲؛ شاخصهای استاندارد شده (Z) میزان خدمات در استانهای کشور

جمع شاخصهای استاندارد شده (Z)	سهم استان در محصول ناخالص داخلی	کارگاههای صنعتی ۱۰ نفر کارکن به بالا	شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر	خطوط تلفن به ازای هر ۱۰۰۰ نفر	درصد مصرف برف	خاتوار دارای آب لوله کشی	میزان اشتغال	میزان باسواد	میزان شهرنشینی	خالص مهاجرت	جمعیت	
آش	۰,۴۱	۰,۲۷	۰,۶۸	۱,۰۸	-۰,۰۹	-۰,۲۷	۱,۶۴	-۰,۳۰	۰,۳۳	-۱,۰۱	۰,۴۱	
آغ	۰,۱۵	۰,۱۷	۰,۱۵	-۰,۵۷	-۰,۳۶	-۰,۵۸	۰,۸۶	-۱,۳۴	-۰,۲۸	-۰,۰۱	۰,۱۵	
اردبیل	-۰,۵۱	-۰,۵۵	-۰,۴۸	۰,۲۶	-۰,۶۷	-۱,۱۶	۰,۶۸	-۰,۶۴	۰,۵۴	-۰,۵۲	-۰,۵۱	
اصفهان	۰,۸۰	۲,۴۲	۰,۹۰	۱,۳۹	۱,۴۸	۱,۰۶	۰,۵۸	۱,۲۲	۱,۶۳	۰,۸۴	۰,۸۰	
ایلام	-۰,۷۹	-۰,۶۶	-۰,۸۰	-۰,۶۷	-۰,۷۲	۰,۶۷	-۰,۴۷	-۰,۰۹	-۰,۲۳	-۰,۱۶	-۰,۷۹	
بوشهر	-۰,۶۹	-۰,۶۲	-۰,۶۹	۰,۲۸	-۰,۴۹	۰,۰۰	۰,۷۳	۰,۵۵	۰,۶۰	-۰,۵۱	-۰,۶۹	
تهران	۳,۹۲	۴,۱۰	۳,۶۸	۲,۶۷	۳,۶۶	۱,۱۷	۰,۲۷	۱,۷۵	۱,۹۴	۴,۴۰	۳,۹۲	
چهارمحال	-۰,۶۹	-۰,۶۰	-۰,۶۴	۰,۱۰	-۰,۶۷	۰,۷۳	-۰,۷۲	-۰,۶۴	-۰,۶۱	-۰,۴۵	-۰,۶۹	
خراسان	۱,۵۳	۱,۱۲	۱,۷۸	۰,۳۰	۱,۰۴	۰,۲۰	۰,۶۳	۰,۶۰	۰,۰۷	-۰,۰۲	۱,۵۳	
خوزستان	۰,۸۸	-۰,۳۲	۰,۳۵	-۰,۹۹	۱,۶۴	۰,۴۳	-۱,۰۰	۰,۰۵	۰,۱۹	۰,۹۶	۰,۸۸	
زنجان	-۰,۶۳	-۰,۳۹	-۰,۵۸	-۰,۴۳	-۰,۵۶	۰,۱۴	۱,۰۳	-۰,۳۹	۰,۸۱	-۰,۴۶	-۰,۶۳	
سمنان	-۰,۷۹	-۰,۳۹	-۰,۷۳	۱,۲۴	-۰,۴۹	۰,۱۳	۰,۷۰	۱,۱۸	۱,۰۹	۰,۰۹	-۰,۷۹	
س. و ب. قزوین	-۰,۱۴	-۰,۵۲	-۰,۴۰	-۱,۷۲	-۰,۴۹	-۲,۲۸	-۲,۱۴	-۳,۲۴	-۱,۰۵	-۰,۱۸	-۰,۱۴	
فارس	۰,۷۳	-۰,۲۳	۰,۶۳	-۰,۱۱	۰,۴۲	۱,۲۲	-۰,۴۷	۰,۷۴	-۰,۱۳	-۰,۱۸	۰,۷۳	
قم	-۰,۶۱	-۰,۲۹	-۰,۶۲	۰,۹۰	-۰,۵۴	۰,۸۷	۱,۰۸	۰,۷۶	۲,۵۱	۰,۵۹	-۰,۶۱	
کردستان	-۰,۳۹	-۰,۵۳	۰,۳۸	-۰,۹۹	-۰,۶۰	-۰,۲۴	-۲,۱۲	-۱,۴۵	-۰,۳۳	-۰,۴۰	-۰,۳۹	
کرمان	-۰,۰۹	-۰,۴۹	-۰,۱۵	-۰,۳۱	۰,۰۸	۰,۱۹	-۰,۰۱	۰,۱۶	-۰,۰۷	-۰,۰۷	-۰,۰۹	
کرمانشاه	-۰,۱۹	-۰,۴۵	-۰,۲۷	-۰,۵۷	۰,۵۲	۰,۰۲	-۰,۸۵	-۰,۱۰	۰,۱۹	-۰,۵۶	-۰,۱۹	
کهکلیه	-۰,۷۶	-۰,۶۳	-۰,۷۹	-۱,۳۹	-۰,۷۲	-۰,۹۴	-۰,۶۲	-۰,۲۸	-۰,۹۶	-۰,۱۷	-۰,۷۶	
گیلان	-۰,۰۵	-۰,۲۵	۰,۱۷	۰,۰۴	-۰,۳۲	-۲,۸۹	۰,۰۲	۰,۳۲	۰,۶۰	-۰,۲۸	-۰,۰۵	
لرستان	-۰,۳۲	-۰,۴۴	-۰,۴۸	-۰,۴۱	-۰,۳۱	-۰,۴۹	-۰,۰۴	-۱,۲۰	-۰,۳۹	-۰,۴۲	-۰,۳۲	
مازندران	۰,۱۴	-۰,۰۹	۰,۲۰	۱,۲۲	-۰,۱۴	-۰,۱۹	۱,۲۴	۰,۳۷	-۰,۹۴	-۰,۳۷	۰,۱۴	
مرکزی	-۰,۴۷	۰,۲۲	-۰,۴۰	۰,۲۶	۰,۱۵	۰,۵۸	۱,۲۱	۰,۳۴	۰,۲۴	-۰,۱۶	-۰,۴۷	
هرمزگان	-۰,۵۰	-۰,۳۷	-۰,۵۹	-۰,۵۱	۰,۰۶	-۰,۵۲	-۰,۳۶	-۰,۷۲	-۱,۶۵	-۰,۱۴	-۰,۵۰	
همدان	-۰,۳۰	-۰,۳۵	-۰,۲۴	-۰,۳۳	-۰,۴۵	-۰,۱۶	-۰,۵۷	۰,۰۱	-۰,۵۵	-۰,۵۷	-۰,۳۰	
یزد	-۰,۶۴	۰,۰۸	-۰,۵۵	۰,۰۶	-۰,۲۹	۰,۸۸	-۰,۱۴	۱,۰۴	۱,۵۶	۰,۰۶	-۰,۶۴	

مأخذ: محاسبات نگارندگان

* نمره Z یک نمره استاندارد بنیادی است و عبارتست از حاصل تقسیم انحراف نمره خام از میانگین بر انحراف معیار. در نتیجه یک نمره بر اساس فاصله

$$Z = \frac{x - \bar{x}}{s} \quad (\text{دلوار، ۱۳۸۰، ص ۱۱۷})$$

آن با مانگین و بر حسب واحد انحراف گزارش می شود. (ص ۱۱۷)

جدول شماره ۳؛ رتبه بندی و مقایسه استانها از نظر میزان توسعه شاخصهای استاندارد شده

استانهای با توسعه بالا	میزان توسعه (شاخصهای استاندارد شده %)	استانهای با مهاجرت پایین	خالص مهاجرت (شاخصهای استاندارد شده %)	استانهای با شهرنشینی بالا	میزان شهرنشینی (شاخصهای استاندارد شده %)
تهران	۲۳,۲۱	تهران	۴,۴	قم	۲,۵۱
اصفهان	۱۱,۲۳	خوزستان	۰,۹۶	تهران	۱,۹۴
خراسان	۶,۲۴	اصفهان	۰,۸۴	اصفهان	۱,۶۳
قم	۴,۱۸	یزد	۰,۵۹	یزد	۱,۵۵
آش	۳,۵۳	سمنان	۰,۰۹	سمنان	۱,۰۹
سمنان	۳,۱۸	آش	۰,۰۶	آش	۰,۳۳
مرکزی	۳,۳۴	مرکزی	-۰,۰۱	مرکزی	۰,۲۴
فارس	۲,۲۲	خوزستان	-۰,۰۲	خوزستان	۰,۱۹
خوزستان	۲,۲۲	کرمانشاه	-۰,۰۷	کرمانشاه	۰,۱۹
استانهای با توسعه متوسط	میزان توسعه (شاخصهای استاندارد شده %)	استانهای با مهاجرت متوسط	خالص مهاجرت (شاخصهای استاندارد شده %)	استانهای با شهرنشینی متوسط	میزان شهرنشینی (شاخصهای استاندارد شده %)
یزد	۲,۰۰	هرمزگان	-۰,۱۴	خراسان	۰,۰۷
مازندران	۱,۷۵	ایلام	-۰,۱۶	کرمان	-۰,۰۷
کرمان	-۰,۶۷	مرکزی	-۰,۱۶	فارس	-۰,۱۳
بوشهر	-۱,۳۵	کهگیلویه	-۰,۱۷	ایلام	-۰,۲۳
آغ	-۲,۱۴	سrbلوچستان	-۰,۱۸	آغ	-۰,۲۸
زنجان	-۲,۵۲	فارس	-۰,۱۸	کردستان	-۰,۳۳
کرمانشاه	-۲,۹۸	گیلان	-۰,۲۸	لرستان	-۰,۴۲
چهارمحال	-۳,۰۳	مازندران	-۰,۳۷	اردبیل	-۰,۵۴
همدان	-۳,۰۵	کردستان	-۰,۴	همدان	-۰,۵۵

میزان شهرنشینی (شاخصهای استاندارد شده Z)	استانهای با شهرنشینی پایین	خالص مهاجرت (شاخصهای استاندارد شده Z)	استانهای مهاجرت متوسط	میزان توسعه (شاخصهای استاندارد شده Z)	استانهای با توسعه پایین
-۰,۶	بوشهر	-۰,۴۵	چهارمحال	-۳,۲۲	گیلان
-۰,۶	گیلان	-۰,۴۶	زنجان	-۳,۵۴	ایلام
-۰,۶۱	چهارمحال	-۰,۵۱	بوشهر	-۳,۶۱	اردبیل
-۰,۸۱	زنجان	-۰,۵۲	اردبیل	-۵,۲۰	لرستان
-۰,۹۴	مازندران	-۰,۵۶	کرمانشاه	-۵,۲۴	هرمزگان
-۰,۹۶	کهگیلویه	-۰,۵۷	همدان	-۶,۰۶	کهگیلویه
-۱,۰۵	س و بلوچستان	-۰,۷۱	لرستان	-۴,۱۶	کردستان
-۱,۶۵	هرمزگان	-۱,۰۱	آبش	-۱۲,۳۲	س و بلوچستان

مأخذ: محاسبات نگارندگان

Archive

جدول شماره ۵؛ جدول فرمول همبستگی رتبه‌ای اسپیرمن

d^2	D	رتبه‌میزان شهرنشینی	رتبه مهاجرت خالص	D^2	d	رتبه میزان شهرنشینی	رتبه خدمات	d^2	D	رتبه مهاجرت خالص	رتبه خدمات	
۴۰۰	۲۰	۶	۲۶	۱	-۱	۶	۵	۴۴۱	-۲۱	۲۶	۵	آش
۴۹	۵	۱۴	۷	۰	۰	۱۴	۱۴	۴۹	۷	۷	۱۴	آغ
۲۵	۵	۱۷	۲۲	۱۶	۴	۱۷	۲۱	۱	-۱	۲۲	۲۱	اردبیل
۰	۰	۳	۳	۱	-۱	۳	۲	۱	-۱	۳	۲	اصفهان
۴	-۲	۱۳	۱۱	۴۹	۷	۱۳	۲۰	۸۱	۹	۱۱	۲۰	ایلام
۴	۲	۱۹	۲۱	۳۶	-۶	۱۹	۱۳	۶۴	-۸	۲۱	۱۳	بوشهر
۱	-۱	۲	۱	۱	-۱	۲	۱	۰	۰	۱	۱	تهران
۴	-۲	۲۱	۱۹	۴	-۲	۲۱	۱۷	۴	-۲	۱۹	۱۷	چهارمحال
۴	-۲	۱۰	۸	۴۹	-۷	۱۰	۳	۲۵	-۵	۸	۳	خراسان
۳۶	-۶	۸	۲	۱	۱	۸	۹	۴۹	۷	۲	۹	خوزستان
۴	-۲	۲۲	۲۰	۴۹	-۷	۲۲	۱۵	۲۵	-۵	۲۰	۱۵	زنجان
۰	۰	۵	۵	۱	۱	۵	۶	۱	۱	۵	۶	سمنان
۸۱	-۹	۲۵	۱۴	۱	۱	۲۵	۲۶	۱۴۴	۱۲	۱۴	۲۶	سrbلوچستان
۹	۳	۱۲	۱۵	۱۶	-۴	۱۲	۸	۴۹	-۷	۱۵	۸	فارس
۹	۳	۱	۴	۹	۳	۱	۴	۹	۰	۴	۴	قم
۹	۳	۱۵	۱۸	۱۰	۱۰	۱۵	۲۵	۴۹	۷	۱۸	۲۵	کردستان
۴	-۲	۱۱	۹	۱	۱	۱۱	۱۲	۹	۳	۹	۱۲	کرمان
۱۹۶	۱۴	۹	۳۳	۴۹	۷	۹	۱۶	۴۹	-۷	۳۳	۱۶	کرمانشاه
۱۲۱	-۱۱	۲۴	۱۳	۰	۰	۲۴	۲۴	۱۲۱	۱۱	۱۳	۲۴	کهگیلویه
۱۶	-۴	۲۰	۱۶	۱	-۱	۲۰	۱۹	۹	۳	۱۶	۱۹	گیلان
۸۱	۹	۱۶	۲۵	۳۶	۶	۱۶	۲۲	۹	-۳	۲۵	۲۲	لرستان
۳۶	-۶	۲۳	۱۷	۱۴۴	-۱۲	۲۳	۱۱	۳۶	-۶	۱۷	۱۱	مازندران
۲۵	۵	۷	۱۲	۰	۰	۷	۷	۲۵	-۵	۱۲	۷	مرکزی
۲۵۶	-۱۶	۲۶	۱۰	۹	-۳	۲۶	۲۳	۱۶۹	۱۳	۱۰	۲۳	هرمزگان
۳۶	۱۸	۱۸	۲۴	۰	۰	۱۸	۱۸	۳۶	-۶	۲۴	۱۸	همدان
۴	۴	۴	۶	۳۶	۶	۴	۱۰	۱۶	۴	۶	۱۰	یزد

مأخذ: محاسبات نگارندگان

* (۱) فرمول همبستگی رتبه‌ای اسپرمن (بین میزان خدمات و مهاجرت خالص)

$$R = 1 - \frac{6 \sum d^2}{n^3 - n} = 1 - \frac{6(1472)}{456950} = 0.99$$

$$1 - \frac{6 \sum d^2}{n^3 - n}$$

(۲) فرمول همبستگی رتبه‌ای اسپرمن (بین میزان خدمات و مهاجرت خالص)

$$R = 1 - \frac{6 \sum d^2}{n^3 - n} = 1 - \frac{6(610)}{456950} = \frac{3660}{456950} = 1$$

$$= 1 - \frac{6 \sum d^2}{n^3 - n}$$

(۳) فرمول همبستگی رتبه‌ای اسپرمن (بین میزان خدمات و مهاجرت خالص)

$$R = 1 - \frac{6 \sum d^2}{n^3 - n} = 1 - \frac{6(1414)}{456950} = \frac{8484}{456950} = 99$$

$$1 - \frac{6 \sum d^2}{n^3 - n}$$

تحلیل نتایج به دست آمده:

در این پژوهش، استانها با استفاده از ۹ شاخص اصلی که بتوان با تکیه بر آنها میزان توسعه را مشخص کرد، طبقه‌بندی شده‌اند و در مرحله بعد، استانها از نظر میزان توسعه و مهاجرت و شهرنشینی، مقایسه شده‌اند. در این بررسی مشخص شده است که همبستگی بالایی بین میزان توسعه و مهاجرت و شهرنشینی در استانهای کشور وجود دارد، که عدد به دست آمده از همبستگی رتبه‌ای اسپرمن، رابطه‌ی بین میزان توسعه و مهاجرت، میزان خدمات و شهرنشینی ۱ و میزان مهاجرت و شهرنشینی ۹۹٪ به دست آمد، که هر سه مورد نشانگر همبستگی قوی بین هر کدام از رابطه‌هاست.

رابطه‌ی اول نشان می‌دهد که هر چه میزان توسعه بالا باشد، میزان مهاجرت فرستی کم بوده و در عوض مهاجرت پذیر می‌شود و در رابطه‌ی دوم مشخص می‌شود که هر چه میزان توسعه بالا باشد، شهرنشینی نیز بیشتر

* ضریب همبستگی، جهت و شدت رابطه‌ی بین دو متغیر را تعیین می‌کند. اگرچه این ضریب به صورت اعشاری بیان می‌شود، ولی تفسیر آن نباید برحسب درصد باشد. همچنین ضریب همبستگی رانمی توان به صورت نسبت مورد مقایسه و تفسیر قرار داد. مثلاً نمی‌توان گفت ضریب همبستگی ۹۰٪ دقیقاً دو برابر ۴۵٪ است. برای اطلاع بیشتر از فرمول همبستگی رتبه‌ای اسپرمن (order correlation- spearman Rank) ر.ک به: (دلاور، ۱۳۸۰: ۱۶۰).

خواهد شد. این دو در تقابل با همدیگراند و بر هم اثر متقابل دارند و در رابطه‌ی سوم که رابطه‌ی بین مهاجرت و شهرنشینی را نشان می‌دهد، باز نشانگر همبستگی بالای بین این دو موضوع است. یعنی استانهای دارای شهرنشینی بالا، مهاجرپذیر بوده و بر عکس استانهای با شهرنشینی پایین مهاجر فرست‌اند. موارد بالا یک حالت کلی را نشان می‌دهد، ولی استثناهایی هم وجود دارند، که از روابط بالا پیروی نمی‌کنند، و باید دلیل آنرا در جای دیگر جستجو کرد. مثلاً استان آذربایجان شرقی با این که از نظر میزان توسعه و شهرنشینی جزو استانهای توسعه یافته و سطح بالای کشور محسوب می‌شود، ولی از نظر میزان مهاجر فرستی مقام اول را در کشور دارد. این مسأله نشان می‌دهد که فقط ضعف توسعه نیست که موجب مهاجر فرستی می‌شود، بلکه عوامل دیگری در این قضیه دخیل‌اند که باید در برنامه‌ریزی مورد بررسی قرار گیرند. اگر از این موارد اندک صرف‌نظر شود، در حالت کلی استانهای با توسعه‌ی بالا دارای مهاجرت پایین و شهرنشینی بالایی هستند. یافته‌های بالا نشان می‌دهند که تمرکز جمعیت در کشور، از تمرکز خدمات پیروی می‌کنند.

نتایج و پیشنهادها:

در تمام منابع بررسی شده، یکی از مهمترین عوامل فقر و عقب ماندگی مناطق، توزیع نامتعادل سرمایه گذاری در کشور می‌باشد، یعنی تمرکز ثروت و امکانات در یک منطقه‌ای باعث شده که دیگر مناطق از رشد و توسعه باز بمانند. همان گونه که آمارها نشان می‌دهند، در چندین دهه میزان سرمایه گذاری که در تهران صورت گرفته است، بیش از سایر مناطق کشور است و این تمرکز بیش از حد باعث شده تا علاوه بر این که بقیه‌ی مناطق از رشد و توسعه باز بمانند، خود تهران نیز دچار مشکلات زیادی شده است. به گونه‌ای که حتی از نعمت هوای پاک محروم گردیده است. چنانچه هرازگاهی، به خاطر آلودگی هوای بیش از حد، مدارس تعطیل می‌شوند و به افراد مریض هشدار داده می‌شود که حتی امکان به بیرون از خانه نیابند. همه اینها نتیجه‌ی سرمایه‌گذاری غیرمتعادل در سطح کشور است.

علاوه بر تمرکز گرایی بیش از حد، مشکل دیگر اقتصاد ایران توزیع نامتعادل اشتغال در بخشهای مختلف اقتصادی (کشاورزی، صنعت، خدمات و...) می‌باشد. که بخش عمده‌ای از جمعیت کشور به جای اشتغال در کارهای تولیدی، مشغول واسطه‌گری و کارهای خدماتی غیر مولداند.

اگر این توزیع نامتعادل بخشهای اقتصادی ریشه‌یابی بشود، مشکل به توزیع نامتعادل ثروت در کشور باز می‌گردد. عدم سرمایه‌گذاری مناسب در مناطق محروم، موجب مهاجرت بی‌رویه‌ی آنها به شهرهای بزرگ شده و اکثراً به خاطر کمبود شغل و یا نداشتن مهارت خاصی رو به مشاغل خدماتی و کارهای واسطه‌گری (که اکثراً نیاز جامعه هم نیستند) می‌آورند. برای رفع این معضل پیشنهاد می‌شود در درجه‌ی اول (هر چند دیرنگام) از این وضعیت جلوگیری شود، چون ضرر از هر کجا گرفته شود، سود است و در برنامه‌های بعدی، سرمایه‌گذاری متناسب با میزان محرومیت و ظرفیت‌ها و استعداد ذاتی مناطق باشد و در مرحله‌ی بعد به توزیع و انتقال سرمایه‌ها از مناطق با تراکم بالا به مناطق ضعیف و محروم اقدام شود. مثلاً کارخانه‌هایی که در شهرهای بزرگ هم باعث آلودگی هوا شده و هم موجب تمرکز جمعیت می‌شوند به مناطقی که از نظر اشتغال مشکل داشته و توان بالقوه دارند انتقال یابند، که هر چند در کوتاه مدت سرمایه‌گذاری زیادی می‌طلبد، ولی در دراز مدت باعث توسعه‌ی پایدار در کشور خواهد شد.

منابع و مآخذ:

۱. ارجمندنیاء، اصغر (۱۳۶۹)، هدف اجتماعی در شهرهای جدید، شهرهای جدید فرهنگی در شهرنشینی، مجموعه مقالات ارائه شده. در سمینار شهرهای جدید، وزارت مسکن و شهرسازی.
۲. اویری ا.ا.اس (۱۳۷۰)؛ مهاجرت، شهرنشینی و توسعه، ترجمه و فرهنگ ارشاد، ناشر مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، تهران.
۳. ایمانی راد، مرتضی (۱۳۶۹)؛ توسعه و برنامه در جهان سوم با نگاهی به تجارب توسعه ایران، انتشارات پیشبرد، تهران.
۴. جوان، جعفر (۱۳۸۳)، جغرافیای جمعیت ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
۵. حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۸۰)؛ برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، انتشارات سمت، تهران.
۶. دلاور، علی (۱۳۸۰)؛ احتمالات و آمار کاربردی در روانشناسی و علوم تربیتی، انتشارات رشد، تهران.
۷. زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۷۱)؛ مجموعه مباحث جمعیتی، جمعیت و توسعه، نشر مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
۸. زمردیان، محمدجعفر (۱۳۶۴)؛ اصول و مبانی برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، ناشر کتابستان مشهد.
۹. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۱)، مرکز آمار ایران؛ خلاصه آمارهای پایه‌ای استانها، ناشر مدیریت انتشارات و اطلاع‌رسانی، تهران.

۱۰. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۱)، مرکز آمار ایران، مهاجرت و شهرنشینی در ایران، ناشر دفتر انتشارات و اطلاع‌رسانی، تهران.
۱۱. شکوئی، حسین (۱۳۷۴)؛ دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری (جلد اول)، انتشارات سمت، تهران.
۱۲. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۰)، با شهر و منطقه در ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
۱۳. عظیمی، حسین (۱۳۷۲)؛ مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصادی ایران، نشر نی، تهران، ۱۳۷۲.
۱۴. فیندلی، سلی (۱۳۷۲)؛ برنامه‌ریزی مهاجرت‌های داخلی، ترجمه‌ی عبدالعلی لهسایی زاده، ناشر نوید، شیراز.
۱۵. لهسایی زاده، عبدالعلی (۱۳۶۸)؛ نظریات مهاجرت، ناشر نوید، شیراز.
۱۶. مشهدی زاده دهاقانی، ناصر (۱۳۷۴)؛ تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
۱۷. معصومی اشکوری، سید حسن (۱۳۷۶)؛ اصول و مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ناشر مؤلف صومعه سرا.
۱۸. مهدوی، مسعود (۱۳۷۱)؛ مبانی جغرافیای جمعیت، ناشر دانشگاه پیام نور، تهران.
۱۹. نراقی، یوسف (۱۳۷۰)؛ توسعه و کشورهای توسعه نیافته، مطالعه تحلیلی از جنبه‌های نظری - تاریخی، توسعه نیافتگی، ناشر انتشار، تهران.
۲۰. نظری، علی اصغر (۱۳۷۶)، جغرافیای جمعیت ایران، انتشارات دانشگاه پیام نور.

Archive